لغو حق سقط جنین زنان، لکه‌ی ننگ دیگری بر پیشانی بی‌دادگاه عالی آمریکا!

بعد از نیم قرن تلاش زنان در آمریکا جهت به دست آوردن حق سقط جنین، در تاریخ ۲۴ ماه جون ۲۰۲۲ اکثریت قضات محافظه‌کار و مرتجعی که توسط روسای جمهوری‌خواه برگزیده شده بودند، بعد از ماه‌ها مانورهای سیاسی، رای به لغو حق سقط جنین زنان و حذف آن دادند. با توجه به این که اثرات مخرب این اقدام زندگی میلیون‌ها زن را تحت تاثیر قرار خواهد داد، این روز بی شک به عنوان یکی از سیاه‌ترین روزها در تاریخ معاصر آمریکا در حافظه‌ها ثبت خواهد شد. پس از حذف حق سقط جنین زنان، تصمیم‌گیری روی این امر به ایالات آمریکا واگذار شده تا هر ایالتی قانونی بودن یا نبودن حق سقط جنین را در حیطه جغرافیایی خود برای زنان تعیین نماید. واضح است که دست اندرکاران مرتجع در دادگاه عالی با این کار عملا دست فرمانداران محافظه‌کار در حداقل بیش از ۲۶ ایالت را برای از بین بردن حق سقط جنین زنان کاملا باز گذاشته‌اند.

با لغو حق سقط جنین زنان، حتی سقط جنین دختران نوجوان که بر اثر تجاوز باردار شده‌اند نیز ممنوع اعلام شد و در این مورد نیز اقدام به سقط جنین می‌تواند با پیگردهای قانونی روبه‌رو شود. این قانون ظالمانه حتی شامل زنانی هم می‌شود که سلامت آنها بر اثر ادامه بارداری می‌تواند در معرض خطر قرار گیرد.

نکته مهمی هم که باید مورد توجه قرار گیرد این است که این حکم شنیع و زن ستیزانه در حالی صورت می‌پذیرد که بر طبق آمار رسمی، ۷۵ درصد از مردم آمریکا موافق آزادی سقط جنین می‌باشند که خود به طور آشکار تعارض حکم دادگاه عالی با خواست اکثریت جامعه را به نمایش می‌گذارد. بر این مبنا جای تعجب نیست که هنوز یک روز از صدور این حکم نگذشته مسئولین ۱۳ ایالت بر اساس این حکم، حق سقط جنین را در ایالت خود کاملا لغو نمودند.

"رو" در مقابل "وید" چه بود؟

در سال ۱۹۶۹ یک زن جوان ۲۵ ساله مجرد به نام "نورما مک کوری" با نام مستعار "جین رو" که فرزند سوم خود را باردار شده بود، با خواست سقط جنین، قانون منع سقط جنین در ایالت تگزاس را به چالش کشید. دفاع از قانون ضد سقط جنین به عهده "هنری وید" دادستان دالاس گذاشته شده بود. تقاضای "جین رو" از طرف دادگاه رد شد و او مجبور به زایمان شد. اما او از پای ننشست و تقاضای تجدید نظر پرونده خود را به دادگاه عالی آمریکا ارائه داد. این پرونده در سال ۱۹۷۳ مورد بررسی قرار گرفت و در شرایط آن روزگار، قضات دادگاه با توضیح این که قوانین موجود، حریم خصوصی زنان را نقض می‌کنند با هفت رای موافق در مقابل دو رای مخالف، ایالت‌ها را فاقد قدرت در ممنوعیت حق سقط جنین زنان دانستند و "رو" قانون حاکم به نفع زنان در سراسر آمریکا شد. البته باید در نظر داشت که این تصمیم در شرایطی بر دادگاه عالی آمریکا تحمیل شد که در شرایط رسوایی‌های مفتضحانه آمریکا در جنگ علیه مردم ویتنام، جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان و در آمریکا فضای مبارزاتی خاصی را به نفع نیروهای مترقی جامعه ایجاد کرده بودند.

شکی نیست که ملغی ساختن حق سقط جنین در درجه اول زنان تهی‌دست و از طبقات پایین جامعه را با مشکلات بسیار جدی روبه‌رو می‌سازد؛ و این زنان و کودکان ناخواسته آنها قربانیان اصلی این سیاست مرتجعانه حاکمین خواهند بود.
در جامعه‌ای که با وجود آزادی سقط جنین، زنان کارگر و زحمتکش به سختی قادر به تامین معاش خود و فرزندان‌شان هستند و نزدیک به نیم میلیون کودک بی سرپرست وجود دارد، روشن است که لغو حق سقط جنین زنان چه معضلاتی برای زنان تهی‌دست جامعه ایجاد می‌کند. در جامعه‌ای که بهداشت رایگان عمومی وجود ندارد و میلیون‌ها زن و کودک فاقد هر گونه بیمه درمانی هستند؛ در جامعه‌ای که هزینه مهدکودک مساوی یک ماه حقوق زنان کارگر می‌باشد، در جامعه‌ای که اثری از مزایای حقوقی برای مادر در بدو تولد کودک وجود ندارد؛ در جامعه‌ای که در بین کشورهای پیشرفته بیشترین آمار مرگ مادر و کودک هنگام زایمان وجود دارد، آری در چنین جامعه‌ای برای زنان زحمتکشی که با هزار رنج و مشقت با چند شیفت کار کردن امرار معاش

می‌کنند، جلوگیری از حق سقط جنین جز بدتر شدن شرایط زندگی‌شان معنای دیگری نمی‌تواند داشته باشد!

مسلما لغو حق سقط جنین، همه زنان در جامعه را با مشکلاتی جدی روبه‌رو می‌سازد اما به خوبی می‌دانیم که زنان طبقات مرفه با توجه به امکانات مالی‌شان با متحمل شدن هزینه‌های سفر کماکان قادر به سقط جنین در کشورهایی که سقط جنین در آن‌جاها آزاد است خواهند بود. اما برای زنان زحمت‌کش و تهی‌دست چنین امکانی وجود ندارد، آن‌هم در شرایطی که بر طبق آمار، ۶۱ درصد از زنانی که تا قبل از این تصمیم سقط جنین می‌کردند را زنان غیر سفید پوست تشکیل می‌دادند که بخش بزرگی از آنان زنان فقیر و کارگری هستند که یک روز کار نکردن آنها مساوی با گرسنگی و نداشتن هزینه اجاره خانه‌شان می‌باشد.
در حال حاضر نزدیک به ۲۴ درصد از زنان اسپانیایی‌تبار و ۱۳ درصد از زنان سیاه‌پوست و ۸ درصد از زنان سفیدپوست فاقد هر گونه بیمه درمانی هستند، زنانی که از هرگونه حمایتی محروم می‌باشند. با در نظر گرفتن این واقعیت روشن است که تصمیم ظالمانه لغو قانون حق سقط جنین چه نتایج دردناکی برای چنین زنانی خواهد داشت. واضح است که در شرایط کنونی آنها عملا راهی جز ادامه بارداری و یا سقط جنین به شیوه‌های قرون وسطایی خانگی نخواهند داشت. متخصصین نیز از همین امروز هشدار می‌دهند که هزاران هزار زن به خاطر این تصمیم مرتجعانه جان خود را از دست خواهند داد و یا دچار آسیب‌های بدنی غیر قابل ترمیم خواهند شد.

امروز در مقابل تعرضی که به حقوق زنان صورت گرفته زنان در دور افتاده‌ترین نقاط آمریکا از مرکز گرفته تا ایالت‌های محافظه‌کار جنوبی با خشم تمام دست به مبارزه زده‌اند و این مبارزات جسورانه که تا حدی به صورت رادیکال پیش می‌رود، پایه‌های دستگاه حاکمیت را به هراس انداخته است؛ چرا که زنان مبارز نه تنها مراکز ستم را مورد خشم مبارزاتی خود قرار داده‌اند بلکه خانه‌های شخصی قضات را هم از خشم بی امان خود مصون نگه نداشته‌اند. در پرتو مبارزات زنان آمریکا جناح دیگر هیات حاکمه (در حزب دموکرات) مردم را به آرامش و بردباری و شرکت در انتخابات دعوت می‌کنند تا حزب دموکرات بتواند دست بالا را در هیأت حاکمه داشته باشد. اما مردم به طور آگاهانه و با هشیاری از آنها سوال می‌کنند که در این مدت که انتخاب شدید چه کردید؟ آنها می‌گویند شما در حالی‌که می‌دیدید مرتجعین چگونه حقوق و زندگی ما را به سلاخی می‌کشند فقط نظاره‌گر بودید!
زنان آگاه به خوبی می‌فهمند که شرایط امروزشان نتیجه سال‌ها تعرض سرمایه‌داری به حقوق زحمت‌کشان این جامعه می‌باشد. آنها به چشم خود دیدند که چگونه حاکمین در دوران سیاه کرونا با بی اعتنایی کامل جان بیش از یک میلیون نفر را در این جامعه قربانی منافع اقتصادی خود کردند؛ می‌بینند و می‌فهمند که دادگاه عالی به عالی‌ترین شکل، حافظ منافع طبقه حاکم سرمایه‌داران می‌باشد. در نتیجه برای زنان مبارز واضح است که لغو حق سقط جنین زنان نه از روی دل‌سوزی برای جنین آنهاست بلکه برای تداوم و بقای نظام سرمایه‌داری‌ست.

چه کسی هست که نداند بخش بزرگی از ارتش جنایتکار آمریکا را فرزندان طبقه محروم تشکیل می‌دهد که از فقر و درماندگی برای رقم زدن آینده‌ای شاید بهتر به ارتش می‌پیوندند. آنها برای لقمه‌ای نان و تامین زندگی، قربانی جنگ‌های امپریالیستی می‌شوند و اگر شانس بیاورند و در جنگ کشته نشوند، بعد از برگشت با بیماری‌های روحی دست به گریبان می‌شوند. بسیاری از آنان دچار اعتیاد به الکل و مواد مخدر می‌شوند و سر آخر در زیر پل‌ها در کنار جاده‌ها جان می‌بازند. امروز که جنگ‌طلبی به طور هر چه واضح‌تر به جزئی جدایی‌ناپذیر از سیاست هیأت حاکمه آمریکا تبدیل شده است، ارتش هار آنها بیش از هر وقت دیگر نیاز به نیروی ارزان برای خدمت نظامی دارد و آنها می‌دانند که این نیرو را در آینده نه از طبقه مرفه جامعه بلکه بخشا از همین کودکان ناخواسته باید تامین کنند. از طرف دیگر سرمایه داران زالوصفت به خوبی می‌دانند که نیروی ارزان کاری که برای حیات سرمایه‌داری به آن نیازمند هست باید از بین همین قشر فقیر و زحمت‌کش جامعه تامین شود و از این‌روست که امروز در حالی‌که هیچ حق و حقوقی اجتماعی برای زنان زحمت‌کش قایل نیستند حق پایه‌ای زنان در آزادی حق انتخاب سقط جنین را با وقاحت و تحت پوشش "حق حیات" پایمال می‌کنند.

مرتجعین موافق لغو حق سقط جنین زنان در حالی که مزورانه از حق حیات جنین دم می‌زنند ولی در عمل "حق حیات" میلیون‌ها انسان رنج‌دیده را پایمال منافع آزمندانه خود کرده و می‌نمایند. تعرض آشکار اخیر به حقوق زنان بدون شک برگ جدیدی را در تاریخ مبارزات زنان رقم خواهد زد. مرتجعین تصور می‌کنند که می‌توانند جوامع را به عقب برگردانند چرا که آنها فاقد دید تاریخی و علمی نسبت به تکامل تاریخ بشری هستند. اما مبارزات زنان به پیشروی خود ادامه خواهد داد و در همین پروسه زنان می‌آموزند که برای رهایی از شرایط دردناک کنونی باید به قدرت مبارزاتی خود تکیه کنند، باید در سایر مبارزات اجتماعی شرکت کنند و با همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان خود را متشکل سازند.

تجربه اخیر به طور عینی به همه نشان داد که بورژوازی هار و جانی حاکم هر زمان که منافعش ایجاب کند با وقاحت تمام، به دست‌آوردهای مبارزاتی که در چهار چوب مناسبات حاکم به دست آمده تعرض می‌کند و آنها را پس می‌گیرد.
بنابراین اگر می‌خواهیم دست نهادهای مذهبی، مردسالاری و سرمایه‌داران از حقوق زنان کوتاه شود و زنان به آزادی واقعی و پس ناگرفتنی دست پیدا کنند باید ریشه همه این ستم‌ها یعنی عامل اصلی که همانا نظام جنایتکار سرمایه‌داری‌ست را نابود کنیم و راه را برای رسیدن به وسیع‌ترین آزادی‌ها که در آن حقوق زنان به طور کامل به رسمیت شناخته خواهد شد، هموار کنیم.

امروز ارتجاع حاکم بدون نقاب، بدون کوچکترین شرم و حتی گرفتن ژست دفاع از دموکراسی به میدان جنگ آمده است. این امر نشان می‌دهد که رفرمیسم، سازشکاری و صحبت از گفتمان مدنی بیراهه‌ای بیش نیستند که فقط به هر چه بیشتر قوی شدن ارتجاع کمک خواهند کرد. در حالی که همه ما، همه زنان و مردان انقلابی باید به سلاح انقلاب مجهز شویم. چرا که تنها راه مقابله با شرایط ظالمانه کنونی و رسیدن به آزادی و از جلمه آزادی زنان، راه انقلاب است.

سارا نیکو
۲۶ جون ۲۰۲۲